

- ۱- تاریخ رشیدی
- ۲- تاریخ ہمایونی
- ۳- تذکرۃ الوقعات ہمایون
- ۴- تاریخ ہمایون شاہی
- ۵- ہمایون نامہ
- ۶- تاریخ ہمایون
- ۷- قانون ہمایونی
- ۸- تذکرہ ہمایون و اکبر

تاریخ رشیدی:

در شمار نخستین کتابهای تاریخی دوره ہمایونی و اثر بسیار ارزندہ پسر خالہ بابر میرزا محمد حیدر "دو غلت" است کہ در ۹۵۳ھ (۱۵۴۶م) در کشمیر پایان یافته است۔

میرزا محمد حیدر دو غلت، پسر ارشد میرزا محمد حسین دو غلت (امیر کاشغر) و خوب نگار خانم (خالہ پادشاہ بابر)، در سال ۹۰۵ھ (۱۴۹۸م) در تاشکند چشم بجهان گشود۔ زندگانی پر ماجرا و مخاطره آمیز و در عین حال عشق و علاقہ فوق العادہ وی بفرہنگ و ادبیات مارا بیاد بابر میاندازد۔ وی در تمام شئون حیات، چه در جنگ و جدال و چه در امن و آشتی۔ چنانچہ از طالع متحول و شرح احوالش پیدا است، باندازہ ای شبیہ بہ خالہ زادہ خود بود کہ میتوان وی را بابر ثانی نامید۔ (در سال ۹۱۴ھ (۱۵۰۷م) کہ هنوز سال بیشتر نداشت، نخستین حادثہ زندگانی

پراز حوادث وی رخ داد که در آن پدرش بدست مهاجمین از یک بطرز بسیار فجیعی کشته شد. پس از کشته شدن پدرش، بنابعد عوت بابر، که در آن موقع مشغول تحکیم سلطنت در افغانستان بود، در ۹۱۵ هـ (۱۵۰۸ م) بکابل رفت و مورد تفقد و دلجویی وی قرار گرفت. در ۹۱۷ هـ (۱۵۰۱ م) در جنگ هولناکی که در نزدیکی حصار اتفاق افتاد و نفع بابر تمام شد، دوشادوش وی با ازبکان جنگید و در شادت داد. (در حدود ۹۲۰ هـ (۱۵۱۳ م) ببارگاه سلطان کاشغر و پسر عموی خود، ابوالفتح سلطان سعید خان، روی نهاد و وزیر دست وی پرورش یافته، مردی مبارز و در عین حال دانشمند و صاحب کمال بار آمد. در دوره سلطنت سعید خان، خدمات درخشانی باری محسن و مربی خود انجام داد و در چند قشون کشتی مظفرانه بمرحله اجراء گزارده کشمیر را تسخیر کرد و خطبه بنام همایون خواند.) و بعنوان نایب السلطنه وی نزدیک ده سال باشایستگی و لیاقت زائد الوصفی امور سلطنت را اداره کرد. سرانجام ستاره اقبالش یکدفعه رو با قول نهاد و پس از گذراندن زندگانی بسیار درخشانی بر اثر یک حمله سرداران متمرکد کشمیر در ۹۵۸ هـ (۱۵۵۱ م) همراه با زن و فرزندان خود در حالت خواب کشته شد.

تاریخ رشیدی مشتمل است بر تاریخ خوانین مغولستان و امرای کاشغر با ضافه خاطرات زندگانی پر ماجرای مؤلف و منقسم است به دو قسمت:

دفتر اول: در سال پنجم نیابت سلطنت مؤلف ۹۵۳ هـ (۱۵۴۶ م) در کشمیر پایان یافت، (موضوع اصلی این قسمت تاریخ دو خانواده ممتاز و معاصر آسیای مرکزی (خوانین مغول و امرای کاشغر) است. تاریخ خوانین مغول شامل وقایع تاریخی از دوغلت تیمور خان (۷۴۸ هـ) تا ۱۳۲۵ م تا شاه خان ۹۵۳ هـ (۱۵۴۶ م) و تاریخ امرای کاشغر که اجداد مؤلف بودند، متضمن حوادث تاریخی از امیر بولاجی تا امیر عبدالرشید (۹۵۳ هـ) ۱۵۴۶ م است. در ضمن تاریخ امرای کاشغر اشاراتی مختصر درباره نظهرالدین بابر (سلسله تیموریان هند) نیز بچشم میخورد.

دفتر دوم: مشتمل است بر شرح حوادث زندگانی پر حادثه مؤلف از تولد ۹۰۵ هـ
(۱۴۹۸ م) تاروی کارآمدوی در کشمیر ۹۴۸ هـ (۱۵۴۱ م)

دفتر دوم تاریخ رشیدی بمنزله دفتر خاطرات یا اتوبیگرافی یک شخصیت تاریخ ساز
میشود. در این قسمت مؤلف نه تنها حوادث زندگانی خویش را شرح داده بلکه در ضمن آن اطلاعات
گران قیمتی راجع به امرای بختیائی، تیموری و ازبک و اغلب وقایع تاریخی که مقارن با دوره زندگی
وی در ماوراءالنهر، افغانستان و هندوستان رخ داده. با دقت تمام ثبت نموده است.

در مورد وقایع و حوادثی که قرن دهم هجری در آسیای مرکزی رخ داده، قسمت اول تاریخ
رشیدی سند درجه یک و یکی از موثق ترین منابع تاریخی بشمار میرود و مورخین بعدی هر چه بتاریخ
آندوره نوشته اند، اساس آن اطلاعاتی است که از کتاب مزبور اقتباس کرده اند.

(قسمت دوم کتاب حاضر متضمن حوادث تاریخی (۹۰۵-۹۴۸ هـ) ۱۴۹۸ م-

۱۵۴۱ م مربوط بزنگانی مؤلف از نظر تاریخ هند اهمیت فوق العاده ای دارد. اگر چه در مورد تاریخ
دوره بابر هر چه نوشته، و ۳۳ واقعات بابر را اصل قرار داده ولی بر آن تفصیلات لواحتی چند نیز
اضافه کرده است. بطوریکه در صفحات گذشته اشاره شده است. واقعات بابر در بعضی
موارد افتادگیها دارد و در اکثر جاها سلسله حوادث از هم گسیخته است. اما تاریخ رشیدی این نقیصه
تألیف بابر را جبران میکند و راجع بزنگانی بابر اطلاعات بسیار هم و ذیقیمتی در باره چنگهای کابل،
قندهار و غزنی، تخت نشینی در ماوراءالنهر، اخراج از سمرقند و سوء قصد علیه وی، در اختیار خوانندگان
میگذارد و از این لحاظ میتوان آن را ضمیمه و متمم واقعات بابر محسوب کرد.)

علاوه بر آن برای قسمتی از تاریخ دوره هایون که متضمن وقایع و حوادثی میباشد که منجر به
انقراض موقت سلطنت هایون و انتقال آن به شیرشاه افغان شد دارای ارزش و اهمیت بسیار است

زیرا مؤلف در جریان حوادث آن زمان پر آشوب شخصاً حضور داشته و هر چه نوشته بر اساس مشاهدات شخصی نوشته است -

یکی دیگر از خصائص عمده این تألیف که از نظر تاریخ نویسی فوق العاده مهم است بلندی طبع و پاکی قلم مؤلف است که حوادث تاریخی را بدون اغراق و مبالغه در تفسیر و یا ستایش و نکوهش بیور و از اشخاص مثبت نموده و در عین حال از خود ستائی و فضل فروشی اجتناب کرده است - مختصر آنکه تاریخ رشیدی در شمار نفیس ترین و با ارزش ترین کتب تاریخ فارسی قرار میگیرد -

تاریخ همایونی:

تاریخ عمومی مختصر جهان است که ابراهیم بن جریری در دوره همایونی نوشته و در آن تاریخ عالم را از آغاز خلقت تا حوادث سال ۹۵۸ هـ (۱۵۵۱ م) تعقیب کرده است -

(از احوال ابراهیم بن جریر اطلاع کافی در دست نیست جز اینکه در سلک ملازمان همایون بوده و کتابی در تاریخ عالم تألیف کرده است - از تاریخ مرگ وی نیز اطلاع دقیق در دست نیست البته آنچه که مسلم است، این که تا سال ۹۵۸ هـ (۱۵۵۱ م) حیات داشته است چون آخرین واقعه ای که در تاریخ خود ثبت کرده واقعه قتل برادر همایون میرزا هندال است که در آن سال اتفاق افتاده است) - ۳

(دانشمندان مختلف درباره اسم مؤلف اتفاق آراء ندارند - بعضی ها بجای جریر، حریر نوشته اند، مؤلف "فرهنگ ترجمه احوال شرقی" حریر را بصورت حریری در آورده است اما نظر بدالائی که هرمان اته اقامه کرده است، جریر بر حریری ترجیح داد) -

(مانند اسم مؤلف بر سر اسم تألیفش نیز تناقض وجود دارد - علت این تناقض این است که مؤلف در خلال سطور و اوراق این تاریخ هیچ جا از آن اسم نبرده است - بنا برین هر آن کس که

از طرف خود بر آن اسمی گذاشته است - این کتاب بمناسب اسم مؤلف با اسم تاریخ ابراهیمی و بمناسب اینکه در دوره همایون برشته تحریر در آمده با اسم تاریخ همایونی موسوم شده است - چیزی دیگر که در این مورد شائسته تذکر است اینست که "استیوارت" این تاریخ را بدوره بابر نسبت داده و نوشته است که این کتاب در ۹۳۵ هـ (۱۹۳۱ م) به سلطان بابر تقدیم شد - اما دانشمندان بعدی ادعای وی را تکذیب کرده اند، باین دلیل که تاریخ مورد بحث حوادث دوره همایون را نیز در بردارد و در خلال صفحات آن هر جا از همایون ذکر رفته - عبارت "خلد الله ملکه" به آن اضافه شده است که مؤرخان مومولاً بسامی پادشاهان معاصر بکار میبرند -

مؤلف تاریخ همایونی در تألیف آن از تواریخ ارجمند و معتبر متقدمین ایران هند از جمله تاریخ طبری، مجمع التواریخ، روضه الصفا، سنی ملوک الارض والانبیاء، طبقات ناصری و تاریخ فیروزشاهی استفاده کرده است -

(تاریخ همایونی چکیده، خلاصه تحقیقات اغلب مؤرخان بزرگ ایران و هند مانند طبری، حمزه اصفهانی، منهاجر جوجانی - ضیاء الدین برنی امثال آنها میباشد - موضوع آن تاریخ اجمالی جهان است عموماً و خصوصاً تاریخ ممالک اسلامی است - از مبدأ خلقت تا ۹۵۸ هـ (۱۵۵۱ م) که با حتم قوی سال تألیف کتاب است و علاوه بر تاریخ درباره احوال رجال و معاریف قرون و اعصار مختلف اطلاعات گرانبها بدست میدهد -)

این کتاب تاریخ با وجودیکه تواریخ عمومی مختصر جهان و عالم اسلام دارد اما بدون مقدمه، یکدفعه آغاز میشود و نیز فاقد ابواب و فصول رسمی میباشد البته شامل تمام محتویات مرسوم در تواریخ بمنوع خود است و در ثبت حوادث، ترتیب تاریخی در آن رعایت شده است - مطلب عمده کتاب از مختصری درباره آغاز خلقت آغاز می شود و تا تیموریان هند از بابر (۹۳۲ هـ) ۱۵۲۵ م تا زمان

تألیف (۹۵۸ هـ) ۱۵۵۱ م که مقارن است با دوره همایونی به پایان می‌رسد.
(تاریخ همایونی از نظر تاریخ عمومی زیاد مهم نیست، برای اینکه قسمت اعظم مطالب آن
تواریخ متقدمین تلخیص و نقل گردیده و مطلبی تازه بر آن اضافه نشده است و آنچه که بیشتر ارزش
آن می‌کاهد ایجاز و اختصار آنست، البته قسمت تاریخ معاصر آن که حاوی اطلاعات ارزنده‌ای راجع
به سلاطین عثمانی و صفوی است، دارای فوائد تاریخی قابل توجهی می‌باشد.)

چیزی که بر ارزش و اعتبار آن می‌افزاید شرح وقایع زمان بابر و همایون است زیرا
مؤلفش با آنها معاصر بوده است. از نظر تاریخ سلسله های کوچک محلی نیز که دم از استقلال
میزدند و با تیموریان هند هم‌عصر بودند حائز اهمیت زیاد است و بسیاری از گوشه های تاریک این
قسمت تاریخ هند را روشن می‌سازد و برای اینکه در شمار یکی از تواریخ معدود و موثق ترین اسناد تاریخی
دوره همایون نخستین تاریخ عمومی دوران تیموریان هند است، دارای ارزش و اهمیت فوق العاده‌ای
می‌باشد.

تذکره الوقعات همایون:

مشمول است بر یادداشت‌هایی راجع به دوره همایونی که مهتر جوهر آفتابچی (یکی از خد
متن‌گزاران مخصوص پادشاه همایون) در سال ۹۹۵ هـ (۱۵۸۸ م) برشته تحریر آورده است.
از احوال مؤلف جز آنچه که سبیل اتفاق از کتاب او بدست می‌آید دیگر اطلاعی در دست
نیست. بطوریکه خودش اشاره مینماید وی در همه حال، چه در دوره شوکت و عظمت و چه در ایام نکت
و فلاکت، در زمره خد متن‌گزاران و فاشعار همایون بوده است.

(وی دوره زندگانش را بعنوان مستخدم طویله شاه‌ی و آفتاب‌برادر همایون آغاز نموده بعد
ها تحت توجهات شاهانه بمقامات بالاتری رسید، چنانکه از مطالعه تذکره الوقعات بر می‌آید. وی در

۹۶۲ هجری (۱۵۵۵ م) بمقام تحصیلداری هیبت پور منصوب شد و مصدر خدمات شایسته گردید و پس از آن پاداش خدمات ارزنده خزانہ داری استان پنجاب و ملتان بعهدہ وی گذشتہ شد۔ از تاریخ مرگ وی نیز اطلاعی دقیق در دست نیست جز اینکه آخرین سالهای عمرش را در سایہ الطاف و مرحام اکبر شاه پسر ہمایون شاه بسر برد و تا سال ۹۹۵ھ (۱۵۸۸ م) کہ سال تألیف کتاب است، بطور قطع و یقین زنده بود۔)

تذکرۃ الواقعات متضمن حوادث تاریخی سراسر دورہ ہمایون (۹۳۷-۹۶۲) ۱۵۳۰-۱۵۵۵ م است کہ مؤلف در آن تاریخ مرئی خود را سال جلوس تا وفات وی دنبال کرده است۔

(این کتاب مشتمل است بر مقدمہ و پنج فصل، البتہ فصول کتاب آنچه نویسنده در مقدمہ وعدہ داده است، کاملاً تطبیق نمیکند و گاہی بسیار مغشوش است خلاصہ مطالب این کتاب از قرار ذیل است:

- ۱- جلوس ہمایون
- ۲- جنگ با بھادر شاه تسخیر گجرات، فتح قلعہ چنار در نتیجہ از خود گذشتگی و فداکاری شخصی ہمایون۔
- ۳- جنگهای ہمایون با افغنہ بنگال و موفقیتهای وی در نواحی بنگال۔
- ۴- آغاز حملہ متقابل و برق آسای شیر شاہ افغان و شکستهای تموالی ہمایون در جنگهای جوسہ و قنوج۔
- ۵- شرح سرگردانی و نابسامانی های ہمایون و سیسہ کاری های برادران وی۔
- ۶- فرار ہمایون بہ ایران و استقبال گرم وی از طرف شاہ طہماسب صفوی، تیرگی روابط شاہ

طهماسب با همایون، رفع سوء تفاهم و تجدید روابط، کمک نظامی شاه ایران به همایون -
۷- تسخیر کابل با کمک قشون قزلباش، استقرار سلطنت در افغانستان، ورود پیر و زندان
همایون در دلی و تشکیل مجدد سلطنت تیموریان هند -

۸- مرگ همایون بر ترسقوط وی از پله های کاخ سلطنتی بطوریکه معلوم است -
مؤلف تذکرة الواقعات نویسنده حرفه ای نبود و معلوماتش محدود و تحصیلات ابتدائی بود -
ایز و نباید سبک انشاء پخته و استواری را از وی انتظار داشت - خودش در این مورد در مقدمه کتاب
اظہار عجز نموده و اعتراف کرده است که پستی و فرومایگی سبک نگارش وی با عظمت و بزرگی
موضوع متناسب و سازگار نیست - مؤلف که مردی کم سواد و ساده دل بود، هر چه را که دید و شنید بدون
اغراق بیفایده و اظہار فضیلت های بیجا بزبانی ساده و بی پیرایه نوشته است -

کتاب مورد بحث مشتمل است بر یادداشت های جوهر که محصول دوره بیست و پنج ساله
خدمت وی در دستگاه سلطنت همایون میباشد - نظر باینکه مؤلف ناظرین دقیق اقبال و ادبار همایون
بوده و شخصاً در جریان حوادث شرکت داشته است تالیف "وی برای شناسائی تاریخ عصر همایون
حائز ارزش و اهمیت بسیار است - تذکرة الواقعات همایون مثل آئینه منعکس کننده حقیقت و
صداقت است و مؤلف آنرا میتوان مؤرخ منصف و امین داشتن زیرا وی در عین وفاداری به
همایون حقائق حوادث را مکتوم نگذاشته و هر چه که او دیده، بدون خوشامد و تملق بیجا با کمال بیطرفی
نوشته است - تذکرة الواقعات از منابع معتبره و موثق تاریخ دوره همایون است و بخصوص برای
کسب اطلاعات دقیق درباره روابط همایون و شاه طهماسب ارزش زیاد دارد -
تاریک همایون شاهی:

از لحاظ موضوع کم و بیش همان تذکرة الواقعات همایون تالیف جواهر است که در صفحات

پیش مورد بحث قرار گرفته است -

(هماًنطور که از خاتمه کتاب معلوم میشود شیخ اللهداد فیضی آنرا بنا بنحو ایش مؤلف اصلی (مہتر جوہر) از روی پیش نویس ہای وی بمنظور ایکہ شایستگی معرفنی بہ پیشگاہ پادشاہ اکبر داشتہ باشد و نیز اینکہ روشن نگارش آن با عظمت موضوع متناسب باشد، یا اصلاح و تدبیر نظر در ترتیب مطالب و طرز نگارش، بسبب آراستہ بصنایع بدیعی از نوزگاشته است -)

در بارہ تاریخ تالیف آن اطلاع دقیق در دست نیست، البتہ بنا بر بعضی از قرآن میتوان حدس زد کہ ہمزمان با تذکرۃ الواقعات یعنی در حدود ۹۹۵ ہجری (۱۵۸۸ م) بنگارش در آمدہ است -

(شیخ اللهداد فیضی یکی از برجستہ ترین شخصیتہای ادبی دورہ اکبری بودہ و در اغلب علوم عمر دست داشتہ و در زمینہ ہای تاریخ و لغت آثار بسیار ارزندہ بجای گذاشتہ است -)

(تاریخ ہمایون شاہی با محتویات تذکرۃ الواقعات معمولاً مطابقت دارد و مؤلفش بیشتر بہ تنظیم مطالب و تغیر سبک انشاء اکتفا نمودہ است، اما گہ گاہی دستی بحتویات بردہ و مطالب جزئی بر آن افزودہ است، علاوہ بر این وقایع بعد از ہمایون را نیز اضافہ نمودہ است - برعکس تذکرۃ الواقعات کہ در آن ترتیب وقایع غالباً آشفتہ و مغشوش است در تدوین این کتاب نظم و ترتیب کامل مراعات گردیدہ است - این کتاب مشتمل است بر یک مقدمہ و خاتمہ و پنج باب کہ ہر باب پنجدین فصل قسمت شدہ است -)

شرح مندرجات تاریخ ہمایون شاہی بدینترار است:

باب اول: در جلوس فرمودن سریر سلطنت نصیرالدین محمد ہمایون پادشاہ غازی -

باب دوم: متوجہ شدن آن جہانیاں بقصد شاہ طہماسب بولایت خراسان -

باب سوم: مراجعت نمودن آن شاه عالم از ولایت عراق بجانب دیار قندهار

باب چهارم: ملک هندوستان -

باب پنجم: جلوس فرمودن جلال الدین محمد اکبر -

این کتاب علی رغم سبک انشای ساده و بی پیرای تذکرة الوقعات بیشتر آراسته به پیرای
های ادبی است که بکتاب ارزش ادبی خاصی می بخشد - البته سبک انشاء مقدمه و خاتمه آن نمونه‌ای
از عبارت پردازی و معلق نویسی منشیانه و مانند توارخ مؤرخان درباری سرشار از اطناب مذموم
و بازی الفاظ است -

با درست داشتن تذکرة الوقعات که از شائبه غرض و تملق خالی و سبک ساده نوشته شده
است و تاریخ همایون شاهی مأخوذ از آن میباشد، نمیتوان ارزش زیادی برای آن قائل شد - از
قرار معلوم مؤلف آنرا صرفاً بقصد وصول به منصب و تقرب بدرگاه شاهنشاهی نوشته است - علاوه
بر این تاریخ مملو از تملق و مداهنت و عبارت پردازی است - با اینهمه، این تاریخ دارای فوائد
تاریخی و ادبی و قابل توجهی میباشد، بخصوص از نظر اشتغال بر بعضی از حوادث تاریخی آغاز دوره اکبر
در خور اعتناء کامل است -

همایون نامه:

مشمتمل است بر خاطرات خواهر همایون (گلبدن بیگم) که آنرا بنا بنخواستش برادرزاده
خود (اکبر شاه) در حدود ۹۹۵ هجری (۱۵۸۶ م) بسک نگارش در آورده است -

گلبدن بیگم مانند اغلب شاهزاده خانم های خانواده جلیل سلطنتی تیموریان هند با ذوق و
قریحه سرشار ادبی برخوردار بوده و در طول تاریخ هزار ساله ادبیات فارسی شبه قاره هند و پاکستان،
نخستین خانم نویسنده ای بود که اثری در عین حال پینده تاریخی از خود به یادگار گذاشته است -

(اگر چه در زمینه شعر یادگار مستقلاً از وی در دست نیست اما آنچه که مسلم است این که بزبان فارسی و ترکی شعری سروده است - در تذکره های شعراً مانند ریاض الشعراً، مخزن الغرائب و تذکره الخواتین، بیت زیر نسبت به او داده شده است -

”هر پریوئی که با عاشق خود یار نیست تو یقین می دان که هیچ از مر بر خور دار نیست“ -

گلبدن بیگم هنگام وفات پدرش (بابر شاه) هشت ساله بود - همانطور که خودش مینویسد:

”وقتیکه حضرت فردوس مکانی (بابر) از دار الفنا به دار البقا خرامیدند این حقیر هشت ساله بود“ -

(چون بطور قطع معلوم است که بابر در ۹۳۷ هجری (۱۵۳۰ م) فوت کرده است، طبق

بیان فوق میتوان استنباط کرد که تولد وی باید در ۹۲۹ هجری (۱۵۲۲ م) اتفاق باشد - وقایع مهم دیگر

زندگانی وی بدینقرار است:)

(در سال ۹۳۶ هجری (۱۵۲۹ م) نخستین بار کابل را برای هند که چهار سال پیش پدرش

در آنجا امب اطوری عظیم هند را بنا نهاده بود، ترک گفت در ۹۵۲ ه (۱۵۴۵ م) بحالہ خضر خواجه که

یکی از خوانین مغولستان و امیر الامرای دوره هما یونی بوده است، در آمد - در ۹۸۲ ه (۱۵۷۵ م)

برای ادای حج به مکه رفت و در ۱۰۱۱ هجری (۱۶۰۶ م) در ۸۲ سالگی بجهان دیگر شتافت -)

(گلبدن بیگم با وجودیکه از قریحه ادبی بهره مند بوده اما خانم خانه داری بوده و به تصنیف

تألیف توجه نکرده است، با این همه در ۹۹۵ هجری (۱۵۸۸ م) که سنش به شصت و شش سال

رسیده بود، اثری جاویدان بوجود آورد و جهان ادب را مدیون خود ساخت -)

گلبدن نیز مانند جوهر و بایزید بیات، غالباً این کتاب را بمنظور رفرا هم نمودن اطلاعات

ابوالفضل برای تدوین قسمت اول اکبرنامه نوشته است و گرنه لزومی نداشت که باین سن و سال

تألیف کتاب پردازد! از قرار معلوم بخواهش وزیر شهیر خود (ابوالفضل) که در آن موقع مشغول

نوشتن تاریخ رسمی اکبر و اجدادش بوده است، امبراطور بنام کسانی که دورهٔ همايون و بابر را درک کرده بودند دستور داد که خاطرات خود را ثبت نموده ببارگاہی وی بفرستند، همانطور که ابوالفضل در اسنمورومی نويسد -

”با طرافت ممالک..... مناشير عالی شرف صدور يافت که نقل مسودات و يادداشتهاي خود را ببارگاہ حضور فرستادند“ -

”حکم شده بود که آنچه از واقعهٔ فردوس مکانی (بابر) و حضرت جنت آشیانی (همايون) ميدانسته باشيد بنويسيد..... بنا بر حکم پادشاهی آنچه شنیده و بخاطر بود نوشته ميشود“ -
همايون نامهٔ گلبدن بیگم ابواب و فصل رسمی - البته متیوان آنرا بدو قسمت مشخص منقسم کرد -
قسمت اول مشتمل بر خاطرات دورهٔ بابری و قسمت دوم متضمن وقایع دورهٔ همايونی میباشد - قسمت دوم با ذکر واقعهٔ کور کردن کامران (۹۶۱ هـ) ۱۵۵۶ م یعنی دو سال قبل از جلوس اکبر با جملات زیر ناگهان خاتمه می یابد:

”در نواحی رهتاس که رسيدند به سيد محمد حکم کردند که هر دو چشم ميرزا کامران را ميل کنند - در ساعت رفت و ميل کشيد - حضرت پادشاه بعد از ميل کشيدن.....

(همايون نامهٔ گلبدن بیگم یکی از نفيس ترين متون نثر فارسی شبه قاره هند و پاکستان است و علاوه بر ارزش فوق العادهٔ تاريخی دارای فوائد ادبی اين کتاب قابل توجهی میباشد - نثر آن ساده و دل انگيز و خالی از هرگونه تکلف و تصنع است و تمام خصائص نثر سادهٔ ابتدائی که فقط برای بيان مقصود بکار ميرفت، در آن ديده ميشود - شيوهٔ نگارش گلبدن بسيار ساده و دارای زیبایی طبعی است و اين سادگی و نزديگی بطبیعت و فصاحت نويسنده بحدیست که نثر او را همدوش نثر فصحای بزرگ قدیم مانند بلعمی و بهمنی و گردیزی کرده است -)

(زبان محاوره ای، کوتاهی جملات و بکار بردن ترکیبات خاص از خصائص عمده این کتاب شمرده میشود. با وجودیکه نشر آن عصر که نسبت بدوره های پیشین، بمقدار زیادی با لغات عربی آمیخته بود، نشر آن از لغات عربی و ترکیبات مشکل تازی به نسبت زیاد خالیست. البته عمده قابل ملاحظه ای از واژه ها و ترکیبات ترکی و زبان محلی هند در آن راه یافته است. گویا علت اساسی این امر این است که نویسنده آن که نه تنها خودش بلکه پدر و مادر و حتی شوهرش ترکی زبان بودند و نیز بموقع نوشتن آن قریب بشصت سال در هند زندگی کرده بود طبعاً تحت تاثیر محیط خانوادگی زبان محلی هند قرار گرفت. نمونه های از شیوه نگارش کتابش که نشاندۀ ویژگی های ذکر شده می باشد:

۱. ”در این اثنا حضرت آ کام گفتند که شما از فرزند من غافلید. بادشاه اید چه غم دارید و فرزندان دیگر نیز دارید. مرا غم است که فرزند یگانه دارم. حضرت جواب دادند که..... اگر چه فرزندان دیگر دارم اما هیچ فرزندی برابر همایون تو دوست ندارم.“

۲. ”دولتخانه حضرت رادر پایان باغ مذکور روبرو برپا کردند و بیگمان در حویلی کلان بیگ بان نزدیک بود آنجا فرود آمدند..... نماز دیگری بود که حضرت سوا شده در باغ دلکشا آمدند بیگمان همه دیدند و برخاستند و کورنش کردند.“

۳. ”سلطان محمود خان در کاشغر بودند که طغای ایشان باشند. ایشان نیز کمک نفر ستاندند. بنیان مدد و معاونت از هیچ جانرسیده مأیوس شدند. بادو بیست کس پیاده و در کشف چپان و در پای آنها چاروق. باین طور بی بریاق توکل بحضرت حق سبحانه کرده متوجه بدخشانات و کابل شده.“

همایون نامه گلبدن بیگم که آئینه حیات سیاسی و اجتماعی دوره بابر و همایون است، یکی از زیباترین آثار زبان فارسی و در عین حال از آثار بی نظیر تاریخ تیموریان هند بشمار می رود. یکی از زیادهای مهم کتاب اینست که مؤلفش عضو مهم خانواده سلطنتی بوده و با اغلب رجال سیاسی و نظامی

نسبت خویشاوندی و دامن‌نماس داشته و با طبع بر اوضاع زمان و اخبار جاریه مطلع بوده است. -
آنچه که در مورد تاریخ بابر نوشته معمولاً تلخیص از واقعات بابر است و معین‌الحالی از
معلومات تازه نیست. -

در مورد تاریخ همایون دامنه اطلاعاتش بالنسبه وسیع تر است زیرا جوانی وی مصادف با
بحرانی ایام سلطنت تازه بنیاد تیموریان هندی یعنی دوره تبعید همایون بوده است و او شرح همه حوادث
آن زمان را در تاریخ خود نوشته است. - اگر چه قسمت اخیر این کتاب که حاوی وقایع سه سال اخیر
دوره تبعید همایون بوده است و او شرح همه حوادث آن زمان را در تاریخ خود نوشته است. - اگر چه
قسمت اخیر این کتاب که حاوی وقایع سه سال اخیر دوره همایون بوده از بین رفته است. - با اینهمه
قسمت بجای مانده آن نیز بتهنایی متضمن اطلاعات با ارزشی از دوران سلطنت همایون و امور
اداری حیات سیاسی و اجتماعی زمان و از اسناد معتبر و موثق آن دوران است. -
تاریخ همایون:

محتویست بر خاطرات یکی دیگر از خدمتگزاران مخصوص امپراطور همایون که ناش بایزید
بیات است او در ۹۹۹ هجری (۱۵۹۲ م) این اثر برشته تحریر در آورده است. تاریخ مورد بحث نیز
مانند اغلب تواریخ مربوط بدوره همایونی برای استفاده ابوالفضل در اکبرنامه بدستور اکبر شاه محیطه
تحریر در آمده است چنانکه مؤلف در سبب تألیف در مقدمه کتاب مینویسد:

”چون جم جلال الدین محمد اکبر بادشاه فرمودند..... از ایام سلطنت حضرت جنت
آشیانی همایون پادشاه اگر کسی را در خاطر چیزی مانده باشد درج نمایند و بنام نامی تمام سازند و این
پروانه را نواب شیخ المشائخ ابوالفضل بن شیخ مبارک به بایزید بیات بی بصناعت رسانید“ -
از آغاز زندگی مؤلف اطلاع زیاده در دست نیست. تنها میدانیم که اول در دستگاه

حکومت کامران (برادر همایون) خدمت کرده است، وقتی همایون در سال ۹۵۳ هجری (۱۵۴۶ م) با کمک نظامی شاه طهماسب پیروزمندانه وارد افغانستان گردید. او بخدمت وی رسید.

(در اندک مدت بقدری اعتماد وی را جلب کرد که با حراز منصب "میر بکاول" یعنی مدیر مطبخ شاهی ناکل گردید. بایزید در ۹۹۹ هـ (۱۵۹۲ م) وقتی که شرح وقایع تاریخی زمان همایون را برای منشی ابوالفضل تعریف میکرد. مردی بود پیر و سالخورده همانطور که خودش میگوید: "چون ایام جوانی گذشته و ایام پیری در آمده بود. مشارالیه میگفت و کاتب شیخ مذکور مینوشت"

اصل کتاب متضمن وقایع سیزده سال اخیر زندگانی همایون است از سال ۹۴۹ هـ (۱۵۴۲ م) تولد اکبر تا ۹۶۲ هـ (۱۵۵۵ م) (وفات همایون و نیز بطور ضمیمه وقایع عهد اکبر شاه را تا سال ۹۹۹ هـ (۱۵۹۲ م) در بردارد. قسمت اساسی کتاب که بدوره همایون تعلق دارد مشتمل است بر چهار فصل که شرح آن بدینقرار است:

فصل اول:

در سفر پادشاه از بهکر بطرف خراسان و عراق و طواف روضه مقدسه سیدنا امام ابوالحسن علی بن موسی کاظم علیه السلام و آنچه در این سفر روی نمود.

فصل دوم:

در بیان واقعاتی که در سنه ۹۵۳ هـ (۱۵۴۶ م) بطهور آمد.

(آمدن میر سید علی و ملا عبدالصمد شیرین قلم و دیگر صاحبان کمال بدر بار همایون. ورود میرزا کامران بملازمت همایون. نهضت موکب مقدس همایون پادشاه از کابل به بلخ و رجوع عالی

از بی اتفاقی میرزا کامران -)

فصل سوم:

بر آمدن میرزا کامران و میرزا عسکری از کولاب زخبر یافتن همایون پادشاه از بغاوت

ایشان -

(و متوجه شدن به دوره قیچان بجهت دفع و رفع میرزا کامران و دیگر سوانح - آمدن میرزا

کامران بملازمت همایون پادشاه و دیگر واقعات - توجه موبک مقدس همایونی بقصد بارمرادعت

بدولت اقبال -)

فصل چهارم:

در فتح هندوستان - اسامی ملازمان که در رکاب ظفر پیکر همایون پادشاه بودند -

(اسامی ملازمان شاهزاده عالمیان جلال الدین محمد اکبر که در رکاب ظفر قرین بودند -

اسلامی ملازمان نواب بیرم خان بهادر که در رکاب سمیون بودند - یورش حضرت همایون پادشاه

بتسخیر هندوستان و فتح آن بتأیید همایون پادشاه و انتقال سلطنت هندوستان بپادشاه جهانیان جلال

الدین محمد اکبر پادشاه -)

ضمیمه تاریخ همایون که اطلاعات ذیقیمتی درباره حوادث دوره اکبر که از تحت نشانی

۹۶۳ هـ (۱۵۵۶ م) تا سی و پنجمین سال جلوس وی (۹۹۸ هـ) ۱۵۹۱ م در بردارد -

نکته جالبی که باید در اینجا نقل گردد این است که مؤلف کتاب سوادند انسته و از نوشتن

و خواندن بی بهره بوده است - اغلباً بایزید بیات فقط راوی یا ناقل و قالیع بوده و کسی که آن وقایع را

بسلك نگارش کشیده یکی از منشیان شیخ ابوالفضل مؤلف اکبرنامه بوده است - طوریکه در آغاز

کتاب بآن اشارت شده است -

«بایزید را خطی و سوادی نبود..... مشارالیه میگفت و کاتب شیخ مذکور مینوشت» -

(از مطالعه کتاب برمیآید که «کاتب شیخ» بگفته بایزید اکتفا کرده و در بسیاری از موارد

بہائات ساده و پرسبکی در آورده است که نمونه ای از عبارت پردازی و مغلط نویسی منشیانه نیست -

و هرفته سبک انشای آن یکسان و یکنواخت نیست، چنانکه از سطور زیر میتوان تشخیص داد:)

(و آنچه که در باب توجه نواب کامیاب، سپهر رکاب، خورشیدتاب، فلک جناب، دریای

سلطنت کامگاری، نخال چمن آرای دولت و جهاننداری، نور پر سورتوستان سلطنت و جلال،

سرور افراز خیار غز و اقبال، آفتاب عالمتاب فلک کامرانی، بدر بلند قدر آسمان خلافت

و جهانبانی، نور چشم سلاطین روزگار و تاج سر خوانین نامدار، نصیرالدین محمد همایون پادشاه خلد اللہ تعالی

غزہ الی یوم الآمال -

(«خبر رسید که داؤد ہم از بنگال برآمده بہ پتنہ آمدہ لودہ را از ہراسی بخاطر رسید۔ لودی

مذکور خود را در قلعہ رہتاس رساند و او آنجا بخانخانان عرض داشت کردہ کمک طلبید کہ من غلام حضرتتم و

دوخواہ و داؤد بجهت بر سر من آمدہ» -

اگر چه این کتاب گنجینہ گراہبہائی از اطلاعات تاریخی مربوط بدورہ ہمایون و اکبر است

اما از نظر تاریخ دورہ ہمایون ارزش و اہمیت آن بمراتب بیشتر است برای اینکہ یکی از جملہ تواریخ

معدود راجع بدورہ ہمایون است و میان مؤلفین است کہ شاید برای العین اغلب وقایع و حوادث

آن زمان و از مقربان ہمایون بودہ است و در مورد تاریخ ہمایون اطلاعاتش چنان دامنہ وسیعہ دارد

کہ مؤرخ بزرگ دورہ بعدی، ابوالفضل، در تاریخ بزرگ خود (اکبرنامہ) از آن استفادہ سرشار

بردہ است۔ و باید گفت اغلب کسانیکہ تاریخ دورہ ہمایونی نوشتہ اند بطور مستقیم یا غیر مستقیم مدیون

این کتاب ہستند، مختصر اینکہ «تذکرہ ہمایون اکبر» از متون موثق و پر ارزش تاریخ این دورہ است -

تذکره همایون و اکبر:

اکبر شاه فرمانی صادر کرد و به موجب آن منصب داران دوره همایون موظف شدند تا
خاطرات خود را بنگارند، کاتبی نیز در اختیار بایزید بیات، که در این هنگام پیر شده بود و نیز سوادی
نداشت یا چندان نوشت و خواندنی، نهاده شد و وی دیده ها و شنیده های خود را در ۹۹۹ ق
(۱۵۹۲ م) در لاهور به کاتب املا کرد که حاصل آن "تذکره همایون و اکبر" در چهار فصل است:

۱- وقایع سال های ۹۴۹-۱۹۵۳ (در سفر همایون پادشاه از بکبر (بکهر) به طرف خراسان
و عراق..... آن چه درین سفر روی نمود-

۲- وقایع سال ۹۵۳ ق-

۳- وقایع سال های ۹۵۳-۹۵۹ (بر آمدن مرزا کامران و مرزا عسکری از کولاب و خبر
یافتن همایون پادشاه از بغاوت ایشان و متوجه شدن دره قچاق به جهت دفع و رفع مرزا کامران و
دیگر سواخ)-

۴- وقایع سال های ۹۶۱-۹۹۹ ق (در فتح هندوستان)-

نویسنده "تذکره همایون و اکبر" بایزید بیات یکی از خدمتگزاران پادشاه همایون بود که
بدستور پادشاه اکبر اثر ذکر شده را در سال ۹۹۹ هجری برشته تحریر در آورد- با وجود پیری و معذوری بدنی
بایزید بیات به کمک یکی از منشیان ابوالفضل این کتاب تاریخ را تالیف کرد که دارای اهمیت ادبی و
تاریخی و فرهنگی است و به همین علت ابوالفضل به هنگام نگارش "اکبرنامه" ازین استفاده سرشار
برده است- حتی باید گفت که اغلب مورخان که تاریخ عهد همایون مدیون اثر هستند-
قانون همایون:

قانون همایونی یکی از مهمترین کتاب دوره همایونی است که آن را غیاث الدین

خواند میر نوشته است -

بزرگترین شخصیت ادبی این دوره غیاث الدین بن هماد الدین معروف به خواند میر است که در ۸۸۰ هـ (۱۴۷۳ م) در هرات متولد شد و او یکی از جمله نویسندگان نامی عصر خود بود که در دوره امیر علی شیر نوائی از حمایت نویسندگان نامی عصر خود بود که در دوره امیر علی شیر نوائی از حمایت و پرورش آن وزیر ادب پرور بهره مند شده بودند. پس انقراض سلسله تیموریان هرات بدعت مؤسس سلسله تیموریان هند، ظهیر الدین بابر، بگذشت و در سال ۹۳۵ هـ (۱۵۲۸ م) در آگره بخدمت وی رسید. پس از مرگ بابر ۹۳۷ هـ (۱۵۳۰ م) بسکک ندیمان پسرش همایون شاه، در آمد. وفاتش در اواخر سال ۹۴۲ هـ (۱۵۳۵ م) در گجرات در اردوگاه همایون اتفاق افتاد و طبق وصیت خود در آرامگاه خواجه نظام الدین اولیاء در کنار قبر امیر خسرو دهلوی بخاک سپرده شد.

(بدون تردید او بزرگترین مؤرخین عصر خود بوده آثار متعدد تاریخی بجای گذاشته است که معروفترین آنها "حبیب السیر فی اخبار افراد البشر" نام دارد. بقیه آثار مهم وی عبارتند از: کلمه روضه الصفا، خلاصه الاخبار، اخبار الاخبار، آثار الملوک، دستورالوزراء، مکارم الاخلاق، منتخب تاریخ و صاف و همایون نامه یا قانون همایونی.)

از مسایر آثار - نویسنده پرکار اثری که از لحاظ موضوع کتاب حاضر از همه مهمترین است قانون همایونی است. این کتاب آخرین تألیف خواند میر است که در سال ۹۴۰ هـ (۱۵۳۳ م) اختتام یافته و حاوی مقررات و تصمیماتی است که همایون اتخاذ کرده و همچنین در آن وصف عماراتی است که بامر همایون تأسیس شده است علاوه بر آن اطلاعات ذیقیمتی درباره روش حکومت و سیاست کشورداری همایون بدست میدهد و شرح اختراعات و ابداعات آن پادشاه

هنرمند و مخترع رانیز در بردار - غالباً ابوالفضل در نگارش آئین اکبری از قانون همایونی الهام
گرفت و آنرا برای خود نمونه و سرمشق قرار داده است -

زیرا که در فوق گذشت کتابهای مهم دوره همایون ذکر شد - کتابهای ذکر شده فقط از لحاظ
تاریخی دارای اهمیت نیست بلکه اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن زبان را نیز منعکس می سازد و نیز دوره
همایون را به تفصیل بیشتری ذکر می نماید -